

The Image of the Beloved in Pre-islamic Poetry and Its Comparison with Islamic Period Poetry (Based On: The Mu'Allaqat and the Divan of Al-Mutanabbi)

Origina Article

Received: 2024/07/24

Accepted: 2024/08/13

Saba Kazemian^{1*}, Kazem Dezfoulian², Ahmad Khatami²

1. PhD Student in Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2. Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

How to cite this article:

Kazemian, Saba and Dezfoulian, Kazem, Khatami, Ahmad, 2024, "The Image of the Beloved in Pre-islamic Poetry and Its Comparison with Islamic Period Poetry (Based On: The Mu'Allaqat and the Divan of Al-Mutanabbi)", Arabic Literature Criticism, 15, 1(28): pp. 84-99.

Abstract

The study of rhetorical figures and their evolutionary trajectory in Persian and Arabic literature is essential for literary research. Simile, a prevalent literary device, is most prominently utilized in romantic writing to clarify both the explicit and implicit qualities of the beloved. This research seeks to address these inquiries by analyzing the context of similes pertaining to the beloved during the pre-Islamic and post-Islamic eras, specifically focusing on the similes of the beloved in Jahili poetry (case study: Mu'allaqat) from both technical and structural perspectives. Which female features have captured the attention of the Jahili poet in the depiction of the beloved, specifically in the Mu'allaqat? What distinctions have emerged in the construction and substance of similes pertaining to the beloved, particularly differentiating the Islamic period's beloved (exemplified by Motanabbi) from the Jahili beloved (shown by the Mu'allaqat)? The authors propose that the focus on the beloved and feminine beauty in Jahili poetry is expressed through the creation of straightforward and realistic imagery. Over time, particularly influenced by the advent of Islam and the revelation of the Qur'an, the eloquence of the imagery associated with the beloved has intensified and evolved into a new form. The lover has been further explored, and broader aspects of his presence have been acknowledged. This research demonstrates that Motanabi, a leading figure in Arabic poetry of the Islamic period until the fourth century, portrays the lover in a sensual manner, characterized by physical attributes that are also ascribed to the beloved in Ma'allqat, the pinnacle of Jahili poetry. This investigation can bolster the perspective of skeptics regarding the validity of Jahili poetry.

Keywords: Jahili Poetry, Mu'allaqat, Poetry of the Islamic Period until the 4th Century, Motanabbi, Similes of the Beloved

*corresponding Author Email Address: S_kazemian@sbu.ac.ir

DOI: 10.48308/jalc.2024.236363.1335



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.



مقاله پژوهشی

تصویر معشوق در شعر جاهلی و مقایسه آن با شعر دوره اسلامی (مطالعه موردی: معلقات سبع و دیوان منتبئی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۳

صبا کاظمیان^{۱*}، کاظم دزفولیان^۲، احمد خاتمی^۲

چکیده

پیشینه شناسی فنون و علوم ادبی و بررسی سیر تحول هر یک از آن‌ها در پهنه ادب فارسی و عربی از جمله ضرورت‌های تحقیقات ادبی است. یکی از پرکاربردترین عناصر ادبی، تشبیه است که بیشترین تجلی خود را در حوزه ادبیات عاشقانه به‌ویژه در تبیین آشکار و نهان معشوق نشان داده است. این پژوهش بر آن است تا با بررسی پیشینه تشبیهات درباره معشوق در دوره پیش و پس از اسلام به این پرسش‌ها پاسخ دهد که تشبیهات معشوق در شعر جاهلی (مطالعه موردی: معلقات) از لحاظ فنی و ساختاری چگونه‌اند؟ در وصف معشوق، کدام ویژگی‌های زنانه مورد توجه شاعر جاهلی (مطالعه موردی: معلقات) بوده است؟ با گذر زمان چه تفاوت‌هایی در ساخت و محتوای تشبیهات معشوق راه یافته که احیاناً معشوق دوره اسلامی (مطالعه موردی: منتبئی) را از معشوق جاهلی (مطالعه موردی: معلقات) متمایز می‌کند؟ فرضیه نویسنده این است که توجه به معشوق و زیبایی‌های زنانه در شعر جاهلی با خلق تصاویری ساده و واقع‌گرایانه بروز یافته است و در گذر زمان، به ویژه تحت تاثیر ظهور اسلام و نزول قرآن، بلاغت تصاویر پیرامون معشوق فزونی و قوت یافته و چهره تازه‌تری از معشوق ترسیم شده و ابعاد وجودی گسترده‌تری از او مورد توجه قرار گرفته است. این تحقیق نشان می‌دهد تصویری که منتبئی، به‌عنوان نماینده برجسته شعر عربی دوره اسلامی تا قرن چهارم، از معشوق ارائه داده تصویری حسی و منحصر به ویژگی‌های تنانه است؛ همان که معشوق معلقات نیز - به عنوان سرآمد شعر جاهلی - به آن متصف است. این پژوهش می‌تواند نظر کسانی را که دراصالت شعر جاهلی تردید داشته‌اند تقویت کند.

کلیدواژه‌ها: شعر جاهلی، معلقات، شعر دوره اسلامی تا قرن چهارم، منتبئی، تشبیهات معشوق

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

استناد به این مقاله: کاظمیان، صبا و دزفولیان، کاظم، خاتمی، احمد، بهار و تابستان ۱۴۰۳، «تصویر معشوق در شعر جاهلی و مقایسه آن با شعر دوره اسلامی (مطالعه موردی: معلقات سبع و دیوان منتبئی)»، پژوهشنامه نقد ادب عربی، ش ۱ (پیاپی ۲۸)، س ۱۵، صص ۸۴-۹۹.

*corresponding Author Email Address: S_kazemian@sbu.ac.ir

DOI: 10.48308/jalc.2024.236363.1335



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.

۱. مقدمه

زبانی که شعر جاهلی^(۱) به آن سروده شده، زبانی یک‌دست و کامل است؛ زبان شمال عربستان که از قضا زبان قرآن هم شد؛ زبانی که به گفته عبدالجلیل در کتاب تاریخ ادبیات عرب «از همان آغاز به نحو شگفتی جا افتاده بود و قوانین آن، که انگار به نظام علمی درآمده بودند، همه معروف و مجری بودند... قوالب شعر نیز [در آن] ساخته و پرداخته به نظر می‌آیند، فن شعرپردازی به قوانین دقیقی در باب بحر قافیه و مصراع و ترکیب پاره‌های بیت وابسته است» (عبدالجلیل، ۱۳۶۲: ۳۴ و نیز ر.ک: گیپ، ۱۳۶۲: ۱۷-۱۱). جدای از بحث در صحت و اصالت شعر جاهلی و آرای که درباره اصالت مطلق یا صحت نسبی آن ارائه شده است و ما در صفحات دیگر به آن خواهیم پرداخت، رواج و رونق آن در نزد عموم مردم، از جمله اعراب جاهلی، قابل تأمل است. هرچند افزون بر این باید رابطه شاعر جاهلی با طبیعت و محیط اطراف و سادگی و بی‌تکلفی آن‌ها را نیز مد نظر داشت. شاعر جاهلی اهل مبالغه و گزاف نیست، آنچه را می‌بیند و احساس می‌کند می‌گوید؛ شعر جاهلی واقعی و شاعر جاهلی واقع‌گراست.

از این رو شعر جاهلی برای پرداختن به موضوعات واحد، پیاپی و منسجم، چارچوب مشخصی ندارد و شاید بتوان مهم‌ترین عامل مؤثر در این پراکندگی را علاوه بر واقع‌گرایی، شرایط اقلیمی جزیره‌العرب دانست؛ برای نمونه در معلقه عنتره بن شداد، بخش آغازین درباره آثار به جای مانده از معشوق است سپس توصیف معشوق و به دنبال آن وصف شتر آمده است و بعد از آن افتخارات خود را در موضوعات مختلف بیان می‌کند (ر.ک: شکیب، ۱۳۷۸: ۲۱۹-۱۸۹)؛ بدیهی است انسجام و ارتباطی منطقی بین این موضوعات وجود ندارد و گویی شاعر اشعاری پراکنده را کنار هم چیده است. علاوه بر این در شکل‌گیری و رواج شعر جاهلی گرایش‌های فردی و قبیله‌ای، تقلید از پیشینیان و پای‌بندی به رسم و رسوم آن‌ها (که عرصه نوآوری را برایشان تنگ می‌کرد)، انعکاس حقایق زندگی در شعر و استفاده از «لهجه خطابه» بسیار مؤثر بوده است.

به هر روی شعر جاهلی با پشتوانه‌ای قابل قبول در دو دوره جاهلیت نخست (تا پیش از قرن پنجم میلادی) و جاهلیت دوم (از سده پنجم میلادی تا پیدایش اسلام) طبقاتی از شاعران را با عناوین زیر در برمی‌گیرد:

- ۱- سرایندگان مُعَلَّقات؛ ۲- سرایندگان مُجَمَّهات؛ ۳- سرایندگان مُتَنَقِّیات؛ ۴- سرایندگان مُدَّهَبات؛ ۵- سرایندگان مراثی؛ ۶- سرایندگان مُلَحَّمات. (زیدان، ۱۳۹۸: ۱۲۲-۱۱۳؛ میکمل، ۱۴۰۱: ۲۸ به بعد؛ برای دیدن طبقه‌بندی دیگر ر.ک: عبدالجلیل، ۱۳۶۳: فصل چهارم).

از میان این شاعران، سرایندگان مُعَلَّقات که گاهی آن‌ها را مُدَّهَبات هم گفته‌اند، جایگاهی دیگر دارند، از وجوه اهمیت مُعَلَّقات با همه اختلافاتی که در تعداد مُعَلَّقات، شاعران و وجه تسمیه آن وجود دارد، توجه خاورشناسان به مُعَلَّقات است؛ از سرشناس‌ترین ایشان یکی ویلیام جونس (W. Jons) انگلیسی است که آن‌ها را در سال ۱۷۸۳ ترجمه و در لندن منتشر کرد و دیگری ابل (Abel) اتریشی است که ترجمه اتریشی خود را همراه با متن عربی در سال ۱۸۹۱ در لندن منتشر کرد. خاورشناس دیگر جانسون (Janson) انگلیسی است که مُعَلَّقات را به انگلیسی ترجمه و با مقدمه فیض‌الایبی در سال ۱۸۹۴ منتشر کرد (ر.ک: زیدان، ۱۳۹۸: ۱۹۱-۱۹۲).

از شاخص‌ترین موضوعات شعر جاهلی از جمله مُعَلَّقات، در کنار وصف، هجو و شرف و... (همان، ۱۳۹۸: ۱۲۴ به بعد) توجه شاعر به توصیف معشوق است؛ اصولاً زن - به خلاف انتظار عموم - در دوره جاهلی شأن و منزلت خاص داشته است. علاوه بر حضور شاعران برجسته زن در آن دوره مانند خنساء، از شاعران زن دیگری هم نام برده شده است. بعضی از منابع تاریخ ادبیات عربی از نوعی طبقه‌بندی برای زنان در جاهلیت یاد کرده‌اند؛ زنان دلیر؛ زنان اندیشمند و هوشیار، زنان شاعر و ادیب و... (ر.ک: زیدان، ۱۳۹۸: ۶۲-۶۵). همچنین از گزارش‌های تاریخی چنان برمی‌آید که زنان دوره جاهلی زنانی مغرور، بزرگوار و ژرف‌اندیش بوده‌اند و بعضی از

آن‌ها در سیاست، جنگ، بازرگانی و شعر و ادب دست داشته‌اند (همان: ۶۱ و نیز ر.ک: عبدالجلیل، ۱۳۶۳: ۵۲).
با این حال توصیف معشوق نزد شاعران مُعلّقه‌گو، که موضوع این پژوهش است، جایگاهی دیگر دارد.

۱-۱. سوالات و فرضیه‌ها

پژوهش حاضر در پی پاسخ این پرسش‌هاست که تشبیهات معشوق در شعر جاهلی (مطالعه موردی: معلقات) از لحاظ فنی و ساختاری چگونه‌اند؟ نوع نگاه شاعر جاهلی (مطالعه موردی: معلقات) در وصف معشوق و ویژگی‌های زنانه چگونه بوده است؟ با گذر زمان چه تفاوت‌هایی در ساخت و محتوای تشبیهات معشوق راه یافته که احیاناً معشوق دوره اسلامی (مطالعه موردی: منتبّی) را از معشوق جاهلی (مطالعه موردی: معلقات) متمایز می‌کند؟

فرض نویسندگان بر آن است که در شعر جاهلی نظر به دیرینگی آن تشبیهات، ساختاری ابتدایی، ساده و کامل دارند و ارکان تشبیه غالباً به طور کامل ذکر شده و دو سوی تشبیه، بیشتر از نوع حسی‌اند.

توجه به معشوق و زیبایی‌های زنانه در شعر جاهلی با خلق تصاویری ساده، واقع‌گرایانه و جزئی‌نگر بروز یافته و در گذر زمان، به ویژه تحت تاثیر ظهور اسلام و نزول قرآن، بلاغت تصاویر پیرامون معشوق فزونی و قوت یافته و چهره تازه‌تر و خیال‌انگیزتری از معشوق ترسیم شده و ابعاد وجودی گسترده‌تری از او مورد توجه قرار گرفته است.

فرض سوم آن‌که شعر در دوره اسلامی قاعداً از پیچیدگی‌های خاص و خیال‌انگیزی‌های بیشتر در ساخت و محتوای تشبیهات برخوردار بوده و تصویری متفاوت از معشوق ارائه می‌دهد.

۲-۱. پیشینه پژوهش

هر چند موضوع عشق، عاشق و معشوق در معلقات و شعر جاهلی مورد توجه پژوهندگان متون ادب عربی و فارسی قرار گرفته و

مقالات و کتاب‌های متعددی در این باره تألیف شده است، پژوهشی که بتواند به صورت کمی و کیفی و برپایه تحلیل داده‌ها به پاسخ‌هایی مناسب برای سوالات این پژوهش دست یافته باشد، مشاهده نشد؛ با این وصف از میان مقالات، مقاله «مقایسه جایگاه زن در عصر جاهلیت و دوره اسلامی» از مرضیه آرچو (مجله دو فصلنامه تاریخ نامه اسلام، ۱۳۸۸) که در آن بیشتر به جایگاه زنان در پیش و پس اسلام و مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها پرداخته است؛ مقاله «بررسی فن تشبیه در معلقه امرؤالقیس» از احد پیشگر (نثر پژوهش ادب فارسی، ۱۳۹۰) که بیشتر به موضوع تشبیه و نقش امرؤالقیس در خلق تشبیهات بدیع پرداخته است و مقاله «تحلیلی بر جنبه‌های مضمونی و زیبایی‌شناسی تغزلی جاهلی در معلقات» از رضا رضایی (پژوهشنامه ادب غنایی، ۱۳۹۳) که تأثیر زمان و مکان را بر اندیشه و احساس شاعر و نقش استعداد و خلاقیت او را در ارائه تصاویر هنری در شعر دوره جاهلی و مخصوصاً معلقات بررسی کرده است. مقاله «بررسی جایگاه اجتماعی زن در میان متون ادبی ایران باستان و اعراب جاهلی» از محمدرضا شیرخانی و همکاران (کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، ۱۳۹۵)، که به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی جایگاه زن در تاریخ تمدن و فرهنگ ایران باستان و اعراب جاهلی پرداخته و جایگاه زن را در ساختار طبقاتی جامعه نشان داده است، ظاهراً نزدیک‌ترین مقالات به موضوع این مقاله‌اند که در آن‌ها، اجمالاً به اوضاع زنان، جایگاه زنان، تصویر و تشبیه در شعر جاهلی و عشق‌ورزی به زنان پرداخته شده اما موضوع مقاله حاضر را پی نگرفته‌اند. منابع دیگری که در حوزه معلقات و تمایل شاعران به وصف معشوق در دست است، عمدتاً عربی و بخشی از کتاب‌های تاریخ ادبیات به‌شمار می‌روند: شوقی ضیف در تاریخ ادبی عرب (ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر)، عبدالجلیل در کتاب تاریخ ادبیات عرب (ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: امیرکبیر) جرجی زیدان در تاریخ ادبیات زبان عربی (ترجمه حمید طیبیان، تهران: آوای خاور) و عمر فروخ در کتاب تاریخ الأدب العربی (بیروت: دارالعلم للملایین، ۲۰۰۶م)

۲. بحث

۲-۱. تحلیل ساختار تشبیهات معشوق در چکامه‌های

جاهلی و شعر متنبی

ذکر یا حذف ارکان قابل حذف تشبیه، یعنی ادات و وجه شبه، در شناخت تشبیه و تحلیل ویژگی‌های آن درخور توجه است. غالباً هرچه شاعر زبردست‌تر و مخاطب در فهم تشبیه ورزیده‌تر باشد، تشبیهات به سمت حذف ادات و وجه شبه میل می‌کنند. به بیان دیگر، حذف وجه شبه از یک سو مستلزم چیره دستی شاعر در خلق تصویری موجز و گویاست به گونه‌ای که وجه شبه، نگفته دریافتی باشد و از سویی مستلزم آشنایی ذهن مخاطب با تشبیه است چنان‌که بتواند در آفرینش تصویر ایفای نقش کند و وجوه شباهت را به نیروی تجسم خویش دریابد. طبعاً تشبیه در صور ابتدایی خویش، ساختار کامل‌تری داشته است و با گذر زمان به سمت حذف ارکان در نهایت، شکل‌گیری استعاره- که موجزترین و پیچیده‌ترین صورت تشبیه است- سیر کرده است. کارکرد متن نیز در شکل‌گیری ساختار تشبیه تعیین‌کننده است؛ در متون تعلیمی و دینی که هدف اصلی، انتقال پیامی صریح به مخاطب است، حذف وجه شبه نه تنها امتیازی ایجاد نمی‌کند بلکه با ایجاد ابهام، ممکن است در نیل به مقصود خلل ایجاد کند، در حالی که ابهام هنری از شاخصه‌های متون ادبی است. به طور کلی بررسی ساختار تشبیهات تا حدی در شناخت دیرینگی اثر، کارکرد متن، سطح ادبی آن و... راهگشاست.

بر اساس پژوهش انجام یافته^(۲) به طور کلی در ملاحظات ۱۹ تشبیه و در دیوان متنبی ۲۸ تشبیه در رابطه با معشوق آمده است. بررسی ساختار این تشبیهات از لحاظ ذکر یا حذف وجه شبه نشان می‌دهد که در هر دو اثر، غالب تشبیهات از نوع مجملند؛ در مجموع حدوداً ۶۲٪ تشبیه مجمل و ۳۸٪ تشبیه مفصل. شاعران جاهلی که «تقریباً همه به نخستین قرن پیش از اسلام تعلق داشته‌اند» (عبدالجلیل، ۱۳۶۳: ۳۶) و نیز متنبی، که یکی از مؤثرترین شاعران دوره اسلامی تا عهد خویش بوده است، بی‌گمان در فن شعر زبردست بوده‌اند و شعر در عصر جاهلی هنری رایج و تکامل یافته

به بحث از بلاد عرب و ویژگی‌های طبیعی آن، زندگی قبیله‌ای و در کنار آن مسائل جایگاه زن می‌پردازد؛ بروکلمان نیز در کتاب تاریخ الأدب العربی (قم: دارالکتاب الاسلامی، ۲۰۰۶ م). که به‌عنوان مهم‌ترین اثر تاریخ ادبیاتی در دوره اسلامی شناخته شده، به موضوعات مختلفی از جمله عقاید، علوم، حدیث، تصوف و تاریخ‌های محلی و علوم دیگر از جمله مباحث مرتبط به شعر و نثر عربی می‌پردازد؛ از دیگر کتاب‌ها که به نحوی با حوزه تحقیقات ادبی مرتبط است و اختصاصاً به شعر متنبی می‌پردازد مجموعه‌ای با عنوان شکوه متنبی است که با ترجمه موسی اسوار (تهران: سخن، ۱۳۹۵) منتشر شده است مترجم در مقدمه کتاب به جایگاه شعر متنبی و تأثیری که شعر متنبی بر ادبیات عرب گذاشته است و بررسی عوامل اوج‌گیری هنر شاعری و سخنوری او می‌پردازد و درباره توجه ادبای ایرانی به شعر متنبی بحث می‌کند. آثار دیگری مانند امثال سائره از شعر متنبی از صاحب بن عباد به ترجمه فیروز حریری (تهران: سحر، ۱۳۵۶) و کتاب عاشقانه‌های متنبی از علیرضا منوچهریان (تهران: زوار، ۱۳۹۷) و آثار دیگر که کم‌وبیش به این موضوع اشارتی دارند اما متمرکز بر این موضوع نیستند و نویسندگان در مواقع ضرور از آن‌ها بهره گرفته‌اند.

۳-۱. روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، چنان‌که معمول تحقیقات علوم انسانی است، روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای است. شایان ذکر است که روش و سیر پژوهش در موضوع مذکور، مقید به مطالعه در هفت چکامه جاهلی و همچنین مطالعه دیوان متنبی و استخراج انواع و اقسام تشبیه است و تمرکز بر تشبیهاتی است که یکی از ارکان آن مرتبط با معشوق بوده است. از میان تشبیهات، تشبیهاتی که به نوعی درصد تبیین چهره معشوق قلمداد می‌شد، متناسب با اعضا و اندام معشوق، طبقه‌بندی و با یکدیگر مقایسه و مورد تحلیل قرار گرفت.

بوده؛ غلبه تشبیه مجمل بر مفصل نیز مؤید این ویژگی هاست. نکته درخور توجه در این پژوهش این است که بررسی جداگانه تعداد تشبیهات مجمل و مفصل معلقات و اشعار منتبّی، نشان می‌دهد در هر دو اثر، غلبه با تشبیه مجمل است اما این نوع تشبیه در شعر منتبّی بیش از معلقات است؛ ۵۷/۹٪ از کل تشبیهات معشوق در معلقات از نوع مجملند در حالی که در شعر منتبّی ۷۸/۵٪. این تفاوت، طبعاً می‌تواند متأثر از فاصله زمانی نزدیک به چهار قرن میان این دو اثر و سیر تکاملی بلاغت در این دوران باشد. بررسی ساختار تشبیه از منظر ذکر یا حذف ادات نیز متضمن نکات مهمی در شناخت تشبیه است؛ تشبیه مرسل غالباً از منظر مبالغه و تاکید هنری، در مرتبه پایین‌تری از تشبیه موکد قرار دارد زیرا دو سوی تشبیه را بر اساس شباهت به هم ربط می‌دهد اما حذف ادات، ادعای این‌همانی را جایگزین ادعای شباهت می‌کند و اگر تشبیه از نوع مجمل نیز باشد، به ظاهر، اثری از تشبیه در کلام باقی نمی‌ماند و این بر نفوذ کلام می‌افزاید. شفیعی کدکنی (۱۳۷۸: ۶۶) معتقد است: «غرض اصلی از تشبیه، عینیت بخشیدن به دو چیز مختلف است یا بهتر بگوییم عینیت بخشیدن است به دو چیزی که غیریت دارند و چون ادات حذف شود، عینیت به صورت محسوس‌تر و دقیق‌تری نمایانده می‌شود در صورتی که آمدن ادات... خود عاملی است برای نشان دادن این‌که مشبه و مشبه‌به دو امر جدا از یکدیگرند و دارای غیریت». ناگفته پیداست که ادعای یگانگی میان دو چیز متفاوت، بسیار خیال انگیز و مختص متن ادبی است. هر چه متن هنری‌تر و پیچیده‌تر باشد احتمالاً شمار تشبیهات موکد آن نیز بیشتر خواهد بود. مقایسه ساختار تشبیهات معشوق در شعر جاهلی با شعر منتبّی از این منظر نیز دال بر پیشرفت و ارتقای شعر از نظر فنی و ساختاری و به تبع آن رویکرد هنری‌تر به پدیده‌هاست؛ شمار تشبیهات مؤکد معشوق در شعر جاهلی ۲۱٪ و در شعر منتبّی ۵۷٪ است که رقم اخیر درخور توجه است و نشان می‌دهد این‌همانی پدیده‌ها در تفکر هنری منتبّی جای‌گیر شده است.

مقایسه تشبیهات معشوق در شعر جاهلی و شعر منتبّی از منظر گستردگی ارکان (مفرد_ مرکب بودن) نشان می‌دهد تشبیه مرکب در شعر جاهلی بیش از شعر منتبّی مورد توجه بوده است؛ این نوع تشبیه در معلقات ۳۱/۵٪ تشبیهات معشوق را به خود اختصاص داده در حالی که سهم این نوع تشبیه در شعر منتبّی ۲۱٪ است. تشبیه مرکب بسته به شیوه به کارگیری آن می‌تواند کارکردهای متفاوتی داشته باشد؛ ایجاد یک تصویر گسترده‌تر از طریق تشبیه مرکب ممکن است جنبه توضیحی داشته باشد و ضمن رفع ابهام، دریافت مشبه را آسان‌تر کند؛ این نوع تشبیهات مرکب در متون دینی و تعلیمی و نیز آثاری که در سطوح پایین‌تری از بیان هنری قرار دارند به چشم می‌خورد. در عین حال تشبیه مرکب ظرفیت ویژه‌ای نیز در تصویرآفرینی دارد چنان‌که گاهی اجزاء مختلف در جهت شکل دادن به یک تصویر واحد به هم می‌پیوندند و کنشی درونی میان این اجزا شکل می‌گیرد و بر تحرک و پویایی تصویر می‌افزاید. تشبیهات مرکب معشوق در شعر جاهلی غالباً از این دست است؛ تصاویری پویا، منسجم و نوآورانه. به‌عنوان مثال در این بیت از معلقات:

كَأَنَّ حُدُوجَ الْمَالِكِيَّةِ^(۳) عُذْوَةٌ

خَالِيَا سَفِينٍ بِالْأَوْصِيفِ مِنْ دَدٍ

(تشبیه جدول شماره ۲ ردیف ۱۲)

شاعر کجاوه محبوب را که بر پشت شتران در پهنای وادی در حرکت است به کشتی بزرگ بر دریای بیکران مانند کرده است؛ کنار هم قرار دادن این دو تصویر، معانی تازه‌ای خلق کرده؛ بی‌کرانگی دریا و پستی و بلندی موج‌های آن، شبیه بیابان‌های پهناور عربستان با تپه‌های شنی است و حرکت کشتی بر آب‌ها، شیوه آرام و سنگین حرکت شتران بر ریگ‌های ناهموار را، در حالی که هر دو راهی مقصدی در بی‌نهایتند، تداعی می‌کند. همچنین در این بیت:

و تَبَسُّمٌ عَنِ الْمَيِّ كَأَنَّ مَنُورًا

تَخَلَّلَ حُرَّ الرَّمْلِ دَعُصٌ لَهُ نَدٍ

(جدول شماره ۲، ردیف ۱۴)

تشبیه دندان‌های معشوق در میان لبان کبودش به بابونه

سرخ که رمز زیبایی، درخشندگی و طراوتند:

كَأَنَّ الْفَجْرَ حَبُّ مُسْتَزَاؤٍ

يُرَاعِي مِنْ دُجَّتَيْهِ رَقِيْبَا

(ج ۱، ص ۳۲۰)

كَأَنَّ بَنَاتِ نَعْشٍ فِي دُجَاهَا

خَرَائِدُ سَافِرَاتٍ فِي حِدَادٍ

(ج ۲، ص ۱۷۲)

خَصْرَاءَ حَمْرَاءِ التُّرَا

بِ كَأَنَّهَا فِي خَدِّ أَعْيَدٍ

(ج ۲، ص ۲۵۱)

در این تشبیهات، که قدما آن را تشبیه معکوس نامیده‌اند، مبالغه بیشتری درباره زیبایی معشوق وجود دارد و مرتبه بالاتری از بیان هنری را نشان می‌دهد؛ معشوق چنان زیباست که سپیده صبح به او مانند است؛ در واقع معشوق در زیبایی و تابندگی، اعرف از سپیده صبح و دیگر مظاهر زیبایی است. زرین کوب (۱۳۸۶: ۶۹) درباره این نوع تشبیه گفته است: «غراب‌جویی در تشبیه، یک جلوه‌اش مخصوصاً عبارت است از آنچه ادبا تشبیه عکس می‌خوانند؛ این که چشم محبوب را به نرگس تشبیه کنند یا رویش را با ماه مانند نمایند چیزبست عادی که در محاوره روزانه هم نظیرش تکرار می‌شود اما آیا عکس این تشبیه‌ها هم درست است؟ وقتی وجه‌شبه در یک طرف تشبیه، اصل است و ذاتی البته در طرف دیگر فرع است و عرضی و در این صورت عکس ممکن نیست یا لطفی ندارد. اما شاعر گه‌گاه با بیانی سحرآمیز فرع را به اصل تبدیل می‌کند و اصل را به فرع چنانکه ذهن خواننده یک لحظه در این که اصل صفت متعلق به کدام طرف است در تردید می‌افتد و بیشتر متأثر می‌شود... و همین نکته است که حتی به یک تشبیه ساده عادی هم حالتی می‌بخشد که آن را از کلام معمولی برتر می‌کند و موثرتر.»

۲-۲. موضوعات چکامه‌های جاهلی و شعر متنبی

هرچند در هر یک از چکامه‌ها موضوعات متنوع و متفاوتی

شکوفه‌زده از توده ریگ ناب و نمناک تصویر هنرمندانه‌ای از جلوه‌گری پدیده‌ای سپید و زیبا بر زمینه‌ای تیره را در ذهن می‌پرورد. چنین به نظر می‌رسد که تشبیه مرکب، این فرصت را برای شاعران معلمات فراهم آورده تا خیال شاعرانه خود را در تصاویر گسترده‌تری ارائه دهند.

موضوع درخور توجه دیگر در این پژوهش، شمار صددرصد تشبیهات حسی به حسی درباره معشوق در هر دو اثر (معلقات و شعر متنبی) است. در موضع مشابه، اجزا تن معشوق هر کدام جداگانه به عناصری از حوزه طبیعت یا دیگر عناصر عالم ماده تشبیه شده‌اند؛ پرتکرارترین مشابه‌ها در حوزه تن معشوق چشم‌ها، گیسوان، دندان‌ها و سینه‌های او است. این امر نشان می‌دهد زن در هر دو اثر یک معشوق تمام عیار است که تنها به خاطر زیبایی و لطافت جسمش مورد توجه است اما حالات روحی و قابلیت‌های ذهنی او هنوز به‌عنوان یک انسان مورد توجه قرار نگرفته است؛ تنها در بیت:

كُلُّ حَمَاصَةٍ أَرْقُ مِنْ الْخَمِّ

رِ بَقْلٍ أَقْسَى مِنَ الْجُلْمُودِ

(جدول شماره ۳، ردیف ۱۳)

که قلب معشوق به سنگ مانند شده نشانه‌ای از توجه به احساسات معشوق دیده می‌شود، بدیهی است که قلب نیز پاره‌ای از جسم انسان و در زمره مشابه‌های حسی است اما از آنجا که جایگاه احساسات تلقی می‌شده است می‌توان آن را مجاز از عواطف و حالات روحی معشوق تلقی کرد که سخت و انعطاف‌ناپذیر است. رخسار معشوق پنج بار در موضع مشابه قرار گرفته است و به خورشید (دو بار)، مروارید، فانوس رهبانان و سیم زراندود مانند شده است. وجه مشترک این مشابه‌ها، درخشندگی و تابندگی است و نشان می‌دهد نور و درخشش نزد اعراب، مظهر زیبایی بوده است. نکته قابل توجه دیگر این که معشوق و متعلقات او غالباً در شعر جاهلی در موضع مشابه قرار گرفته‌اند اما شعر متنبی در سه مورد، معشوق را در جایگاه مشابه‌ها قرار داده و عناصری از طبیعت را به او مانند کرده است؛ سپیده صبح، هفت اورنگ و بستان سبز بر خاک

مشاهده می‌شود اما موضوعات کلی چکامه‌ها، مدح و فخر و رثاء و هجا و تعزل و توصیف است. جدول زیر موضوعات جزئی‌تری از معلقات را بر اساس ترتیب سال مرگ شاعران معلقات نشان می‌دهد؛ ترتیب نام شاعران معلقات می‌تواند خواننده محقق را به تأثیر گذر زمان در کاهش و افزایش و یا قوت و ضعف معلقات در به‌کارگیری تشبیه یاری نماید:

فهرست شاعران معلقات به ترتیب سال وفات و موضوع کلی چکامه‌های جاهلی (جدول

شماره ۱)

| ردیف | نام شاعر | موضوعات کلی چکامه‌های جاهلی | تصویرسازی از معشوق |
|------|---|---|--------------------|
| ۱ | عمرو بن کلثوم (درگذشت: اواخر قرن پنجم میلادی) | وصف می و معشوق + داوری عمرو بن هند میان بکر و تغلب + فخر + دفاع از قبیله خودش + تهدید. | ۲ تشبیه |
| ۲ | امروالقیس (درگذشت: بین ۵۳۰ تا ۵۴۰ میلادی) | سخن از سرگرمی‌ها و دلدادگی‌ها و ماجراجویی‌ها + وصف شب و اسب و شکار و باران. | ۱۰ تشبیه |
| ۳ | طرفه بن العبد (درگذشت: بین ۵۶۴ تا ۵۶۹) | وصف خوله (زنی از کلب + وصف شتر + شکوه و گلایه از مالک گویا پسر عموی او بوده است) و وصیت برای چگونه برگزار کردن مراسم سوگواری او. | ۵ تشبیه |
| ۴ | حارث بن جله (درگذشت: اواخر قرن پنجم میلادی) | تقاضای داوری بکر و تغلب از عمرو بن هند پادشاه حیره + دفاع از بکریان + خنثی کردن نیرنگ‌های عمرو بن کلثوم + تغزل + وصف شتر + ابطال سخنان تغلیبان + تعریف از قوم خویش + ذکر معایب تغلیبان + مدح حکم. | |
| ۵ | زهیر بن ابی سلمی (درگذشت: حدود ۶۲۷ میلادی) | ستایش غرامت دهندگان کشته شدگان جنگ عبس و ذبیان + اندرز + ترک کینه‌ورزی + دعوت به صلح. | ۱ تشبیه |
| ۶ | عنتره بن شداد (درگذشت: دهه دوم قرن هفتم) | وصف اطلال دیار معشوق + درد فراق + وصف معشوقه‌اش عبله + توصیف شتری که او را به عبله خواهد رساند + ذکر دلآوری‌ها و محامد خودش. | - |
| ۷ | لیبدین ربیع (درگذشت: حدود ۶۴۰ میلادی) | ذکر یار + وصف شتر + یاد ایام لهو و لعب + ذکر افتخارات به خود و به قوم خود. | - |

پایروس (که از ساق آن مصریان کالاهایی شبیه به کاغذ تهیه می‌کردند تا بتوانند بر آن بنویسند).

وَ كَشَّحَ لَطِيفٍ كَالجَدِيلِ مُخَصَّرٍ
و ساقِ كَأُنبوبِ السَّقْيِ الْمُدَّلِّ (۲۰)

و یا تشبیه انگشتان به مسواک‌های چوبی؛

و تَعَطُّو بِرُخْصٍ غَيْرِ شَتْنٍ كَأَنَّهُ

أَسَارِبُ طَظْيٍ أَوْ مَسَاوِيكُ إِسْجَلِ (۲۱)

که سادگی ذهن شاعران را در مرحله‌ای از استخدام تشبیه نشان می‌دهد.

بدیهی است که همه تشبیهات از این دست نیست و بعضاً از سطوح بلاغی بالاتری بهره‌مندند، مثلاً تشبیه معشوق به آهو، که تشبیهی حسی به حسی و از زمره تشبیهات مذکور است، ارتقا می‌یابد و به تشبیه گردن معشوق به گردن آهو و یا چشم معشوق به چشم آهو می‌انجامد که طبیعتاً جزئی نگرانه‌تر، ادیبانه‌تر و خیال‌انگیزانه‌تر است؛ مانند این بیت از معلقه امرؤ القیس:

و جِيدٍ كَجِيدِ الزَّيْمِ لَيْسَ بِفَاحِشٍ
إِذَا هِيَ نَصَّتَهُ وَلَا بِمَعْطَلٍ (۲۰)

ذیلاً می‌توان تشبیهات شاعران معلقات را از معشوق فهرست‌وار مشاهده کرد:

همان‌گونه که پیش از این آمد، یکی از موضوعاتی که در تشبیهات جاهلی مورد نظر بوده است و می‌توان آن را در موضوع تعزل و توصیف پی‌گرفت، تشبیه معشوق است.

شاعران بیشتر به کمک اعضای او درصدد ارائه تصویر مورد علاقه خود از معشوق برآمده‌اند، اعضای مانند چشم، گونه، دهان، موی، میان، نگاه، تن، گردن، ساق، انگشتان و... نمونه‌ای از اعضای معشوق‌اند که شاعران معلقات به وصف آن‌ها در سطوح بلاغی به گونه‌ای ابتکاری و بعضاً تقلیدی پرداخته‌اند.

اصولاً از خوانش و بررسی این هفت قصیده چنین برمی‌آید که شاعران نگاهی حسی به معشوق دارند و معشوق را آن‌گونه که می‌بینند توصیف می‌کنند و از تشبیهاتی بر پایه حواس بهره می‌گیرند؛ از این‌روست که در این قصاید به توصیفی برمی‌خوریم که شاعر گیسوان انبوه معشوق خود را به خوشه‌های مترکم درخت خرما تشبیه کرده که امری کاملاً محسوس و واقعی و در نزد او نمونه‌ای از زیبایی و جذابیت تلقی می‌شده است:

و فَرَعٍ بَزِينُ الْمَتْنِ أَسْوَدَ فَاحِجٍ
أَثِيثٍ كَقَنْوِ النَّخْلَةِ الْمُتَعَتِّكِلِ (۲۰)

یا تشبیه کمر باریک معشوق به تازیانه، که ابزاری است دم‌دستی و مأنوس با شاعر سوارکار؛ همچنین است توصیف ساق پا به گیاه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست تشبیهات معشوق در معلقات (جدول شماره ۲)

| مشبه | مشبه به | |
|--------------------------------|--|---|
| عطر معشوق هنگام برخاستن | بوی میخک هنگام وزش باد صبا | ۱ (امرؤ القیس، چکامه‌های بلند جاهلی: ۴-۵) |
| سینه‌های معشوق | آئینه | ۲ (همان: ۱۵) |
| تن معشوق | مروارید ناسفته | ۳ (همان: ۱۵) |
| نگاه معشوق | نگاه آهوان و جره وقتی که بچه‌های خود را می‌طلبند | ۴ (همان: ۱۵) |
| گردن معشوق | گردن آهوی سفید | ۵ (همان: ۱۶) |
| موی معشوق | خوشه خرما | ۶ (همان: ۱۶) |
| میان معشوق | تسمه چرمین | ۷ (همان: ۱۷) |
| ساق‌های معشوق | زیرهای برد که درختان خرما بر آن سایه افکنده باشد | ۸ (همان: ۱۷) |
| انگشتان معشوق | کرم‌های سرزمین ظبی / مسواک‌هایی از شاخه نرم اسحل | ۹ (همان: ۱۸) |
| چهره معشوق | فانوس رهبانان | ۱۰ (همان: ۱۹) |
| آثار خیمه و خرگاه محبوب | خال کوبی بر پشت دست | ۱۱ (طرفه العید، ۴۰) |
| کجاوه محبوب بر پشت شتران | کشتی‌های بزرگ بر دریای بی کران | ۱۲ (همان: ۴۱) |
| دلدار یا لبان گندمگون | غزال جوان | ۱۳ (همان: ۴۲) |
| دندان معشوق در میان لبان کبودش | بابونه به شکوفه نشسته میان توده‌ای ریگ نمناک | ۱۴ (همان: ۴۳) |
| رخسار معشوق | خورشید | ۱۵ (همان: ۴۴) |
| خانه محبوب | خال‌هایی کبود بر ساعد زنی | ۱۶ (زهیر، ۸۵) |
| بازوان محبوب | دست و پای ناچه‌ای سپید جوان | ۱۷ (عمر بن کلثوم، ۱۵۶) |
| سینه معشوق | دو حقه عاج | ۱۸ (همان، ۱۵۶) |

پشت شتران (جدول شماره ۲، ردیف ۱۲) به شرح مذکور به دست آمد که بر پایه آن می‌توان تصویری منطبق بر واقع و مناسب با ذهن شاعر واقع‌گرای معلقات از معشوق ایده‌آل جاهلی ارائه کرد:

از مجموع ۷۷۲ بیت چکامه‌های جاهلی، شانزده نمونه از تشبیه معشوق و اندام‌های او و دو نمونه از معلقات معشوق، یکی آثار خیمه و خرگاه (جدول شماره ۲، ردیف ۱۱) و دیگری کجاوه محبوب بر



معشوق عرضه شده است که گاه چنان خیال‌انگیز و دور از تصوّر است که در هیچ شرایطی نمی‌توان آن را تصدیق کرد. ویژگی‌های معشوق در شعر شاعران فارسی زبان هم‌عهد متنبی، که متأسفانه به ادوار دیگر شعر فارسی نیز سرایت کرده، به گونه‌ای مردانه است که برقراری ارتباط عاطفی و احساسی را برای مخاطب غیرممکن یا دست‌کم سخت می‌کند و چه بسا که ذهن خواننده و شنونده را آشفته و او را از درک معشوق ساخته و پرداخته شاعر ناتوان می‌سازد.

شاید همین توانایی‌ها در شاعران معلقات و دیگر شاعران جاهلی است که کسانی را بر آن داشته است که در اصالت شعر

بنابراین بر پایه تشبیهات مندرج در معلقات می‌توان دریافت که تصویر معشوق موردنظر شاعران معلقات معشوقی است با رخساری خورشیدوش / فانوس‌گون، موی‌هایی متراکم، تنی زیبا و بکر، چشم‌هایی نگران، لب‌هایی کبود و دندان‌هایی زیبا و سفید با گردنی به زیبایی گردن سپید آهو، سینه‌هایی برآمده و سفید و بازوانی سفید و لطیف، میانی باریک و لوزان، ساق‌هایی نازک و صاف که چون برمی‌خیزد عطر تنش بوی خوش میخک می‌پراکند.

انصاف آن است که معشوق موصوف از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که مهم‌ترین آن انطباق بر واقعیت است؛ حقیقتاً آنچه بعدها در شعر عربی و به‌ویژه در شعر فارسی به‌عنوان ویژگی‌های

برجسته عرب و از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین شاعران قرن چهارم هجری را برگزیده‌اند.

او در شعر خود، که بسیار شیفته آن بود، به موضوعاتی از جمله: مدح پادشاهان، توصیف جنگ‌ها، فخر، هجا، و رثا می‌پرداخت و در همه این انواع مقتدر و ممتاز بود.

حافظه‌ای قوی، ذهنی وقّاد، قریحه‌ای فیاض، ذوقی رفیع، معرفتی بس گسترده و ژرف و دقت و بصیرتی شگرف داشت (ر.ک: آبروی، ۱۳۸۴: مقدمه اسوار)، اما سبب انتخاب منتبّی برای این مقایسه:

اولاً اعتبار او در شعر و شاعری است؛

ثانیاً جایگاه ادبی، فلسفی و کلامی خاص او؛

ثالثاً اشتراک در موضوعات کلی شعرش (مدح و هجا و رثا و

فخر و تغزل و توصیف) با سرایندگان معلقات؛

رابعاً بهره‌مندی او از تجربه حضور تاریخی شاعران بزرگ از جمله ابونواس، ابوتمام و بحتری؛ به نحوی که می‌توان او را یکی از شاخص‌ترین و تأثیرگذارترین شاعران عرب و نماینده تمام عیار شعر عربی در دوره اسلامی تا قرن چهارم دانست (ر.ک: کیپ، ۱۳۶۲: ۹۰-۸۷).

ذیلاً می‌توان تشبیهات منتبّی را از معشوق، فهرست‌وار مشاهده کرد:

جاهلی با دیده تردید بنگرند^(۵) و با اطمینانی نزدیک به یقین، آنچه را که به آن ادبیات پیش از اسلام می‌گوییم میراث دوره های پس از ظهور اسلام بدانند (ر.ک: حسین، ۲۰۱۷: ۵۴) و یا بگویند: آنچه امروز به نام شعر و ادب جاهلی باقی مانده از طرق صحیح تاریخی به دست ما نرسیده است بلکه از همان طریق که قصص و اساطیر نقل و روایت می‌شوند، این اخبار نیز نقل شده است.

به‌علاوه از راویان و جامعان اشعار، کسانی مانند «حماد راویه» و «خلف احمر» مطابق روایات اشعاری از خویشان جعل می‌کرده‌اند و به گویندگان جاهلی منسوب می‌داشته‌اند (ر.ک: زرین‌کوب، ۱۳۷۲: ۲۷۳-۲۷۲).

باری، بدون در نظر گرفتن صحت و سقم اقوال موافقان و مخالفان، تصویری که بر پایه معلقات از معشوق به دست آمد حاکی است که شعر جاهلی علی‌رغم سادگی نسبی در ساختار، که بدان اشارتی رفت، از پشتوانه‌ای قوی و ذوقی سلیم بهره‌مند است.

علاوه بر این، بررسی اشعار و دواوین شاعران عرب در دوره اسلامی نیز نشان می‌دهد که تصویر معشوق شعر جاهلی اگر زیباتر و دلنشین‌تر و واقع‌گرایانه‌تر از شاعران عهد اسلامی نباشد چیزی از آن‌ها کم ندارد.

نویسندگان این مقاله برای اثبات ادعای خود از میان شاعران دوره اسلامی، ابوطیب منتبّی (۳۰۳-۳۵۴ ق.) ادیب و شاعر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

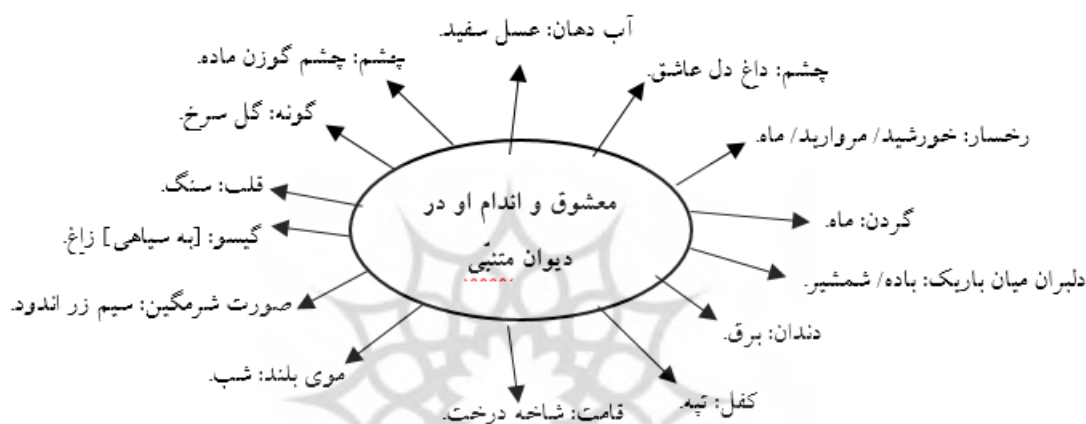
فهرست تشبیهات معشوق در دیوان متنبی (جدول شماره ۳)

| | مشبه به | مشبه | |
|---------------|-----------------------------------|--------------------------|----|
| (متنبی، ۱/۷۰) | خورشید | معشوق | ۱ |
| (همان، ۱/۷۲) | زخم در دل عاشق | چشم معشوق | ۲ |
| (همان، ۱/۱۵۷) | مرورید | رخسار معشوق | ۳ |
| (همان، ۱/۱۵۷) | ماه با گردن‌بند ستاره | معشوق با گردن‌بند مرورید | ۴ |
| (همان، ۱/۲۲۵) | مرورید | زن | ۵ |
| (همان، ۱/۲۶۴) | شاخه درخت | قامت معشوق | ۶ |
| (همان، ۱/۲۶۴) | عسل سپید | آب دهان معشوق | ۷ |
| (همان، ۱/۲۶۵) | خورشید | معشوق | ۸ |
| (همان، ۱/۳۲۰) | معشوق | سپیده صبح | ۹ |
| (همان، ۲/۹۵) | گل سرخ | گونه‌های دلبران | ۱۰ |
| (همان، ۲/۹۶) | چشم ماده گاوآن وحشی | چشم معشوق | ۱۱ |
| (همان، ۲/۱۰۰) | باده | دلبر میان باریک | ۱۲ |
| (همان، ۲/۱۰۰) | سنگ | قلب دلبران | ۱۳ |
| (همان، ۲/۱۰۲) | زاغ | گیسوان معشوق | ۱۴ |
| (همان، ۲/۱۲۶) | سیم زر اندود | صورت معشوق بر اثر شرم | ۱۵ |
| (همان، ۲/۱۴۶) | گل سرخ | گونه دلبران | ۱۶ |
| (همان، ۲/۱۷۲) | دوشیزگان بی حجاب در جامه سوگواران | هفت اورنگ در تاریکی شب | ۱۷ |
| (همان، ۲/۲۵۱) | گیاهی نرم و نازک بر گونه دلبری | بستان سبز بر خاک سرخ | ۱۸ |
| (همان، ۲/۳۰۸) | شمشیر | دلبران نازک اندام | ۱۹ |
| (همان، ۲/۳۷۰) | شب | موی بلند و فروهشته معشوق | ۲۰ |
| (همان، ۲/۴۷۴) | باران ابر سپید | آب دهان معشوق | ۲۱ |
| (همان، ۲/۴۷۴) | شاخه | قامت معشوق | ۲۲ |
| (همان، ۲/۴۷۴) | ته | کفل معشوق | ۲۳ |
| (همان، ۲/۴۷۴) | برق | دندان معشوق | ۲۴ |
| (همان، ۲/۴۷۵) | خورشید | رخساره معشوق | ۲۵ |
| (همان، ۲/۵۶۵) | چشم در چشم خانه | معشوق در دل عاشق | ۲۶ |
| (همان، ۲/۵۶۷) | مرغزار | کجاودهای دلبران | ۲۷ |

پرنام و آوازه و تجربه‌های فراوانی که شاعران عرب از پیشینیان خود کسب کرده بودند شعر منتبّی به لحاظ زبانی، ادبی، بلاغی و فکری به هیچ‌روی قابل مقایسه با شعر جاهلی نیست؛ با این وصف، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تصویر برآمده از معشوق در شعر منتبّی چندان تفاوتی با تصویر معشوق در معلقات ندارد:

از حدود ۲۰۰۰ بیت از قصاید منتبّی، ۲۶ تشبیه مستقیماً به توصیف معشوق اختصاص دارد که به استثنای یک مورد، کجاوه دلبر، (جدول شماره ۳، ردیف ۲۷) مابقی درباره معشوق و اندام و اعضای اوست.

بدیهی است که با توجه به گذر زمان و با ظهور اسلام و نزول قرآن که بلاغت ایرانی- اسلامی و امداار آن است، و حضور شاعران



نویسندگان، ساختار تشبیهات معشوق در معلقات نسبت به شعر منتبّی ساده‌تر و ابتدایی‌تر است. در عین حال تشبیه مرکب در شعر جاهلی بیش از شعر منتبّی به کار رفته که حاصل آن تصاویری پویا و بدیع در وصف معشوق است؛ احتمالاً نگاه جزئی‌نگر و واقع‌گرای اعراب جاهلی به جهان در شکل‌گیری این نوع تشبیهات موثر بوده است. طبق فرض نویسندگان، شاعران معلقات و منتبّی در تصویرپردازی کاملاً حسی و طبیعت‌گرایند و بر اساس آنچه تحقیقات این پژوهش نشان داد هر دو صد در صد از تشبیهات حسی به حسی برای وصف معشوق بهره برده‌اند و عناصر محسوس را از تماشای طبیعت پیرامون خویش وام گرفته و به اجزایی از پیکر زنان مانند کرده‌اند؛ لذا تصویری واقعی و قابل درک از معشوق ارائه داده‌اند که در عین حال از توجه به حالات روحی و عواطف انسانی معشوق در

با این وصف و بر پایه تشبیهات مندرج در دیوان منتبّی می‌توان دریافت که معشوق موردنظر منتبّی معشوقی است با رخساری خورشیدوش / مرواریدگون، گیسوانی سیاه و بلند، قامتی باریک، راست و لرزان، چشم‌هایی نگران / چونان داغ دل عاشقان، دندان‌هایی سپید و براق و بذاقی شیرین و سفید و مستی‌زا، گردنی سپید و زیبا، به زیبایی و سپیدی ماه، گونه‌ای سرخ و کفلی برآمده و قلبی سخت که هنگام شرم، رخسارش زرد می‌شود و گویی خرده‌های طلای زرد به گونه سفید و سیم‌گون او ریخته‌اند.

نتیجه

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد مطابق پیش‌بینی و فرضیه

مستندات این مقاله در رساله مذکور با عنوان «پیشینه شناسی تشبیهات و استعارات معشوق در منظومه های غنایی نظامی» موجود است.

- ۳- لقب زنی منسوب به بنی مالک از قبیله کلب
- ۴- در شرح لغات، جدیل معادل تسمه چرمین آمده. (آیتی، ۲۵)
- ۵- درباره دلایل موافقان و مخالفان وجود شعر جاهلی ر.ک: طه حسین، فی الادب الجاهلی، ص ۱۲۸؛ نقض کتاب فی الشعر الجاهلی، از سیدمحمد الخضر، قاهره: ۱۳۴۵، ص ۱۸؛ و نیز ر.ک: مصادر الشعر الجاهلی و قیمتها التاريخیه، از دکتر ناصرالدین اسد.

منابع

آربری، ای. جی (۱۳۸۴)، **چکامه های متنبی**، ترجمه از انگلیسی، موسی اسوار، تهران: هرمس.
بجنوردی، محمدکاظم (زیر نظر) (۱۳۹۸)، **دائرة المعارف بزرگ اسلامی: مقاله جاهلیت** نوشته آذرتاش آذرنوش، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
حسین، طه (۲۰۱۷)، **فی الادب الجاهلی**، بی جا: مؤسسه الهمندای.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶)، **نقد ادبی**، تهران: امیرکبیر.
زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲)، **آشنایی با نقد ادبی**، تهران: سخن.
زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۲)، **شعر بی دروغ شعر بی نقاب**، تهران: علمی.
زیدان، جرجی (۱۳۹۸)، **تاریخ ادبیات زبان عربی**، ترجمه حمید طیبیان، دفتر نخست، تهران: آوای خاور.
شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸)، **موسیقی شعر**، تهران: آگاه.
شکیب، محمود (۱۳۷۸)، **چکامه های بلند جاهلی**، تهران: پایا.
عبدالجلیل، ج.م. (۱۳۶۲)، **تاریخ ادبیات عرب**، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: امیرکبیر.

آن نشانی نیست. علت این مشابهت در به کارگیری تشبیه میان اشعار معلقات و شعر متنبی البته نیاز به تحقیق مستقل دارد با این حال، مقایسه ویژگی های هر دو معشوق حکایت از معشوق مشابهی در دو نمونه منتخب دارد.

از نتیجه این پژوهش می توان به این نکته پرداخت که احتمالاً گرایش به ویژگی های معشوق، آن گونه که در قرون بعد از قرن پنجم و ششم در شعر عربی و فارسی شکل گرفته، در شعر عربی قرن چهارم که اتفاقاً مصادف با دوره سوم و پایانی عصر زرین ادبیات عرب (۴۴۷-۳۳۴ق) نیز هست و متنبی به عنوان نماینده تام و تمام آن شناخته شده است، چندان رواج نداشته است و معشوق را آن گونه که می دیده اند و می خواسته اند، توصیف کرده اند. با این وصف، مقایسه تصاویر دو معشوق نشان می دهد که به خلاف فرض نخست، در این دو اثر تفاوت چندانی در نوع نگاه به زن و چهره ای که از او به واسطه تشبیه ترسیم شده است وجود ندارد هرچند ساختار تشبیهات معشوق در شعر متنبی به نسبت شعر جاهلی فشرده تر و پیشرفته تر است. مع الوصف شباهت سیمای دو معشوق از دو برهه تاریخی متفاوت می تواند نظر کسانی را که در اصالت شعر جاهلی تردید داشته اند، تقویت کند.

پی نوشت

۱- شعر جاهلی، خلاف آنچه در میان عوام رایج است، شعر اهل جهل نیست؛ جاهلیت و جاهلی پیش از اسلام علاوه بر «نادانی» در مقابل «دانایی»، به معنای «بی صبری» در مقابل «حلم» (بردباری خردمندان) نیز آمده و بعضی از مفسران و محققان این معنی را برای جاهلیت مناسب تر دانسته اند (ر.ک: مدخل جاهلیت در دائرة المعارف بزرگ اسلامی؛ ذیل جاهلیت).

۲- این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده مسئول است که در آن با روش های آماری به تجزیه و تحلیل تشبیهات و استعارات شعر عربی و فارسی پیش و پس از اسلام تا قرن ششم پرداخته است.

العباسی، تهران: سمت.
فروخ، عمر (۲۰۰۶ م): **تاریخ الادب العربی**، بیروت: دارالعلم للملایین.
ضیف، شوقی (۱۳۹۳): **تاریخ الادب العربی (العصر الجاهلی)**، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
السباعی، السباعی (۱۳۹۲)، **تاریخ الادب فی العصر الجاهلی**، بی‌جا: مطبقة الیلوم.
الشریفی، السید عبدالهادی (بی‌تا)، **الجمل فی تاریخ الادب العربی من العصر الجاهلی حتی العصر الحدیث**، قم: مرکز ترجمه و نشر مصطفی.

References

Arberry, A. Jay (1384) Chakamehaye Motanabbi, translated from English, Musa Eswar, Tehran: Hermes.
Bejnordi, Mohammad Kazem (under review) (2018), Big Islamic Encyclopaedia: Jahilit article written by Azartash Azarnoosh, Tehran: Big Islamic Encyclopedia Center.
Hosseini, Taha (2017); Fi al-Adab al-Jahili, n.p., Al-Hindawi Institute.
Zarinkoob, Abdul Hossein (2006), Literay criticism, Tehran: Amirkabir.
Zarinkoob, Abdul Hossein (1372), Introduction to literary criticism, Tehran: Sokhn.
Zarinkoob, Abdul Hossein (2012), Untruthful Poetry Unmasked Poetry, Tehran: Ilmi.
Zidan, Jerji (2018), History of Arabic language literature, translated by Hamid Tabibian, first book, Tehran: Avai Khavar.
Shafiei-Kadkani, Mohammad Reza (1378) Poetry Music, Tehran: Aghaz.
Shakib, Mahmoud (1378), Jahili's Long Chekameh, Tehran: Paya.
Abdul Jalil, J.M. (1362), History of Arab Literature, translated by Azartash Azarnoosh, Tehran: Amir Kabir.

گیپ، هامیلتون الکساندر راسکین (۱۳۶۲) **درآمدی بر ادبیات عرب**، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.
المنتبئی، ابوالطیب (۱۹۵۸ م.)، **دیوان المنتبئی**، بیروت: دارالبیروت و دارالصادر.
منوچهریان، علیرضا (۱۳۹۲)، **ترجمه و تحلیل دیوان منتبئی**، (دو جلد)، تهران: زوار.
میکل، آندره (۱۴۰۱)، **ادبیات عرب**، ترجمه بهزاد هاشمی، بابک فرزانه، تهران: سخن.
بروکلمان، کارل (۲۰۰۶ م) **تاریخ الادب**، ترجمه عبدالحلیم نجار، قم: دارالکتب الاسلامی.

آذرشت، محمدعلی (۱۳۸۲)، **تاریخ الادب العربی فی العصر** Gip, Hamilton Alexander Ruskin, (1362), An introduction to Arabic literature, translated by Yaqub Azhand, Tehran: Amirkabir.
Al-Mutanabi, Abu al-Tayeb (1958), Diwan al-Motanabi, Beirut: Dar al-Beirut and Dar al-Sadr.
Manouchehrian, Alireza (2012), Translation and analysis of Diwan of al-Motanabbi, (two volumes), Tehran: Zovar.
Mikel, Andre (1401), Arabic literature, translated by Behzad Hashemi, Babak Farzaneh, Tehran: Sokhn.
Brockelman, Carl (2006), Tarikh al-Adab, translated by Abdul Halim Najjar, Qom: Darul Kitab al-Islami.
Azarasht, Mohammad Ali (1382), The history of Arabic literature in the Al-Abassi era, Tehran: Semit.
Farroukh, Omar (2006 AD), Tarikh al-Adab al-Arabi, Beirut: Dar al-Alam Lalmalain.
Zaif, Shukhi (2013), History of Arabic Literature (Al-Asr al-Jahili), translated by Alireza Zakavati Karagzlou, Tehran: Amir Kabir.
Al-Sabaghi Al-Sabaghi (2012), The history of literature in the Jahili era, Motababa Elilum.
Al-Sharifi; Al-Sayyid Abd al-Hadi (n.d.), An overview of the history of Arabic literature from the pre-Islamic era to the modern era, Qom: Mustafa Translation and Publishing Center.